

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان مدیریت هیجانات عاطفی در قالب شادی، اندوه، خشم و مهر است. اینکه تحت تأثیر عوامل بیرونی، یادرونی واکنش‌هایی را از خود بروز دهد که مبتنی بر جوشش شدید هیجانات است و رفتارهایی که انسان را از تعادل بیرون می‌برد و پیامدهایی را به دنبال دارد که گاه پشیمانی در آن سودی ندارد. خشم یکی از این هیجانات است که اگر مدبریت و مهار نشود پیامدهای بسیار خطر ناکي دارد. برای مدبریت خشم و مهار آن باید انسان به درجه‌ای از تحمل برسد که عشارهای سهمگین را تاب آورد و واکنش‌هایی را که نشان می‌دهد بر اساس تدبیر و بصیرت باشد تا پیامدهای بد و رشتنی رایه دنبال نداشته باشد. اینجاست که مسئله صبر و حلم و افزایش آستانه تحمل مطرح می‌شود.

قرآن به عنوان کتاب انسان ساز و جامعه‌ساز، به همه آن چیزی بر داخته‌است که انسان برای رسیدن به کمال و سعادت دنیوی و اخروی بدان نیازمند است. از این رو به این مسئله نیز پرداخته و راه‌های ایجاد و افزایش شکیبایی و بردباری یعنی صبر و حلم را بیان کرده است. آنچه در پی می‌آید بیان بخشی از نشانه‌های صبوری در قرآن است که تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

شناخت موانع صبر، لازمه ایجاد و افزایش صبر

یکی از راه‌های ایجاد و افزایش صبر، شناخت موانع صبر و عوامل ضد صبر است. اموری که اجازه نمی‌دهد تا انسان به صبوری دست یابد چه رسد که به مقام عالی بردباری و حلم برسد و از مقام حلیم از اسمای الهی بهره برد. در اینجا به برخی از موانع مهم در تحقق صبر اشاره می‌شود.
۱. اجتناب از تکبر و تفاخر: تکبر و تفاخر دو مانع جدی در برابر صبوری آدمی است؛ زیرا متکبر به سبب فقدان تواضع و فروتنی، خود را چنان بزرگ می‌شمارد که حاضر نیست در برابر رفتارهای دیگران، واکنش نشان ندهد و خود را برتر از آن می‌بیند که فشاری را تحمل کند و یا سخت درشت بشنود و با نگاهی بالا را تحمل نماید؛ بلکه خود را چنان بالا می‌بیند که حاضر نیست فروتنی داشته باشد. این گونه است که- از حالت طبیعی بیرون رفته و رفتاری هیجانی از خود بروز می‌دهد. خداوند در قرآن با توجه به روحیات متکبر فخور به ویژه در زمان رفاه و آسایش بیان می‌کند که چنین افرادی نمی‌توانند صبور باشند و از آستانه تحمل پایینی برخوردارند. از همین رو، خواهان آن است که برای کسب صبر و افزایش آن از تکبر و فخرفرورشی اجتناب کنند و این روحیه را کنار بگذارند. در نظر قرآن تنها کسانی در برابر فشار از دست دادن نعمتی صبوری می‌ورزند که فاقد روحیه تکبر و تفاخر باشند و متأثر از هیجانات تند عاطفی، رفتارهای شدید احساسی از قبیل حزن و فرح نداشته باشند. (هود، آیت ۹ تا ۱۱)

۲. اجتناب از شهادت ناقح: حق مداری و بیان حق در هر حال، از جمله صفات انسان‌های متعال و موجه است. اما انسان‌ها نامتعادل همان گونه که به خود ظلم می‌کنند به سادگی نسبت به دیگران ظلم و ستم روا می‌دارند. این ستیجورزی آنان در همه جا از جمله در گواهی دادن نیز بروز می‌کند که گواهی به ناقح می‌دهند و باطل را بر حق مقدم می‌دارند. بنابراین، برای اینکه از شخصیت و روحیه دارای صبر برخوردار شویم صبری قلم‌دری در هر حال یکی از راه‌های کسب آن است. به این معنا که با اجتناب از گواهی ناقح و باطل می‌توانیم خود را در مسیری قرار دهیم که نتیجه آن صبوری است. (فرقان، آیات ۲۲ و ۲۵).

۳. اجتناب از لغو: در همین آیات، بیان شده که برای کسب روحیه صبر و افزایش آن باید از لغو و کارهای بیهوده اجتناب کرد؛ زیرا کارهای بیهوده از مصادیق باطل است و آدمی را به سمت و سونی سوق می‌دهد که نهایت آن از دست رفتن صبر و صبوری است. خداوند با تأکید بر برخورد‌های کریمانه در برابر رفتارهای لغو و بیهوده دیگران بیان می‌کند که انسان کسی نتواند با این شیوه در خود صبوری را ایجاد و تقویت کند؛ بلکه وقتی با سخن و رفتار بیهوده دیگران مواجه می‌شود واکنش نشان ندهد و بلکه واکنش مثبت نشان داده و با کرامت از آن عبور کند. زمینهای است که صبوری را در انسان تقویت می‌کند. (فرقان، آیات ۷۲ و ۷۵)

۴. اجتناب از قتل نفس محترم: جان و عرض و مال مردم محترم بوده و دارای حرمت است و کسی نمی‌تواند متعرض آن شود. این از حقوق انسانی هر بشری است. کسی که بتواند خود را چنان تربیت کند که جز به حق و عدالت کسبی را نکشد، و در برابر کارهای نادرست دیگران به سرعت واکنش نشان ندهد، می‌تواند به درجات و سطوح عالی از صبوری برسد که او را لایق فرغرفهایی در بهشت کند؛ و ویژه صابران است. در حقیقت تأکید بر بهره‌مندی از غرغره‌های بهشتی خاص این صابران نشان می‌دهد که واکنش‌هایی از این دست تا چه اندازه مهم است. اینکه در این آیه واژه «مصابرو» به صورت فعلی به کار رفته است نشان می‌دهد که صبوری به شکل فعلی در برابر این کنش‌ها و واکنش‌ها تا چه اندازه مهم است. (فرقان، آیات ۶۳ و ۶۸ و ۷۵)

امام رضاع) فرمود: خداوند سه وظیفه دینی را در همراهی سه وظیفه دیگر معرفی کرده است. به نماز و زکات امر فرموده به طوری که هر کس نماز بخواند اما زکات و خمس و حقوق مالی را نپردازد، نمازش مقبول نخواهد بود. همچنین خدا به سپاسگزاری از خویش و والدین امر فرموده است. به طوری که هر کس از پدر و مادر خود تشکر و سپاسگزاری نکند، در واقع از خداوند سپاسگزاری نکرده است و بالاخره خداوند به صلح و صلح‌مرد امر کرده است. به طوری که هر کس صلّه رحم انجام ندهد، در واقع تقوا نداشته است. (عیون اخبار الرضا ج ۱ ص ۵۲۲)
با دقت در فرمایش امام(ع) این نکته دانسته می‌شود که پرداخت زکات، رعایت احترام پدر و مادر و دیدار خویشاوندان که از جمله حقوق مردم محسوب می‌شود، از چنان اهمیتی برخوردار است که اگر نسبت به آنها سهل‌انگاری کنیم، گویا در واقع حقوق الهی (نماز – شکر – تقوا) پایمال شده است.

اهمیت پرداخت زکات

درباره اهمیت پرداخت زکات به همین اندازه اکتفا می‌شود که: خداوند سرزمین‌هایی دارد که به آنها سرزمین انتقام می‌گویند. وقتی خدا به بنده‌ای مای را مرحمت می‌کند و او حقوق الهی آن را نمی‌پردازد، پروردگار مای آن سرزمین‌ها را بر او مسلط می‌کند تا آن مال را در آنجا تلف نماید و سپس صاحب مال در همان مکان جان به جان آفرین تسلیم می‌کند در حالی که آن

۱.۴ اجتناب از مجالس باطل:

لغو زمینه ساز افزایش صبر در افراد و بهره‌مندی از سعادت دنیا و آخرت خواهد شد. (فرقان، آیات ۷۲ و ۷۵)
پس اگر بخواهیم انسانی صبور یا دارای آستانه تحمل بالا باشیم باید از حضور در مجالس لغو و لهو اجتناب کنیم و در هر مجلسی حضور نیابیم؛ زیرا حضور در این مجالس زمینه تغییر روحیه را فراهم آورده و انسان را برای رفتارهای هیجانی و خشم زود هنگام و مانند آن آماده می‌سازد، به طوری که در برابر کوچک‌ترین کنشی واکنش‌های عصبی و هیجانی از خود بروز می‌دهد. پس یکی از موانع ایجاد و یا افزایش صبر، حضور در چنین مجالسی است. اجتناب از آن نیز می‌تواند در افزایش آستانه تحمل بسیار مفید باشد.

سنجش خود بر اساس نشانه‌های صبوری

به منظور درک وضعیت خود و دیگران نسبت به کنش‌های عاطفی



نیکی در برابر بدی دیگران از اخلاق انسان‌های صبور است که می‌توان از این معیار و شاخص برای سنجش رفتار و روحیات خود بهره برد.

و واکنش‌های هیجانی می‌توانیم از نشانه‌های صابران بهره گیریم. چنین سنجشی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم میزان صبر و آستانه تحمل خود را به دست آورده و برای تربیت خویش و تغییر روحیه در جهت مثبت اقدام کنیم. از این رو، در اینجا به برخی از نشانه‌های صبوری اشاره می‌شود که می‌تواند به عنوان شاخص عمل کند.

۱. نیکی در برابر بدی و اخلاق نیک: نیکی در برابر بدی دیگران از اخلاق انسان‌های صبور است که می‌توان از این معیار و شاخص برای سنجش رفتار و روحیات خود بهره برد. خداوند می‌فرماید: والدین صبرو ابتغاء وجه ربه... و بدرون بالحسنه السیئه؛ کسانی که به خاطر رضایت‌مندی خداوند صبر می‌کنند... و بدی را با خوبی پاسخ می‌دهند.(رعد، آیه ۲۲) همچنین در آیات ۶۳ و ۷۵ سوره فرقان بیان می‌کند که صابران در برابر سختنای بی‌خردان با سلام به آنان واکنش نشان می‌دهند و در آیات ۵۴ و ۵۵ سوره قصص نیز می‌فرماید: آنان بدی را با نیکی دفع می‌کنند. و هر گاه سخنی بیهوده و لغوی شنیدند از آن اعراض کرده و در پاسخ به بیهوده‌گویان می‌گویند: هر کسی کار خودش، بار خودش. پس سلام بر شما. همچنین خداوند در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره فصلت فرمان می‌دهد که بدی را با خوبی‌ها برتر دفع کنید که این بهتر است؛ زیرا شیوه صابران است. پس می‌توان از این راه روحیه صبر را شناخته و در این مسیر گام برداریم تا صبوری یافته و آستانه تحمل ما نیز افزایش یابد.

۲. گذشت به جای مقابله به مثل: صابران با آنکه می‌توانند مقابله

به مثل کنند و توان این کار را هم دارند ولی مقابله به مثل نمی‌کنند و از درگذشت و غفو وارد می‌شوند. همچنین بخواهیم صبوری یاد بگیریم یا آن را افزایش دهیم باید در هنگام تسوان مقابله به مثل و مجاز بودنش، دست از آن بشوییم و دیگر را غفو کنیم (تخل، آیه ۱۲۶)

۳. کمترین مجازات: صابران اگر مجبور به مجازات و تنبیه باشند، کمترین مجازات را در نظر می‌گیرند و واکنش‌های آنان بر اساس عواطف شدید و هیجانات تند نخواهد بود. (ص، آیه ۴۴)

۴. تغییر مکان: صابران در هنگام برخورد با کنش‌های تند دیگران که از روی بی‌خردی و جهالت و سفاکت است، از آن محیط خارج می‌شوند. این تغییر محیط‌گاه به بیرون رفتن از اتاق یا مجلسی است و گاه در قالب کوچ و مهاجرت از محله و شهر و کشور اتفاق می‌افتد. اینکه خداوند در ارتباط با صابران می‌فرماید زمین خداوند وسیع است، برای آن است که لازم نیست همواره واکنش‌های رفتاری و مقاومت داشته باشیم، بلکه گاه جایگاهی و هجرت بهترین واکنش است. (زمر، آیه ۱۰)

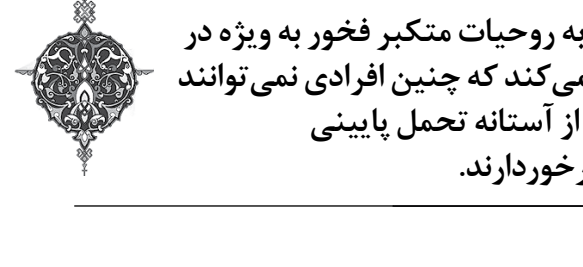
۵. اعتدال در انفاق: از دیگر خصایص صابران، رعایت اعتدال در انفاق و پرهیز از اسراف و بخل در آن است که خداوند در آیات ۶۳ و ۶۷

معارف
Maaref@Kayhan.ir

۷۵ و سوره فرقان به آن اشاره کرده است.
۶. صبوری در مصیبت‌ها و مشکلات جسمی و مالی و جنگی: از شاخص‌های صابران صبوری در انواع و اقسام مصیبت‌ها و مشکلاتی بدنی و روانی و مالی در جنگ و غیرجنگ است. اگر چنین چیزی را در خود تقویت کنیم می‌توانیم امید به افزایش صبر در خود داشته باشیم. (بقره، آیات ۱۵۵ و ۱۵۷ و ۲۱۴ و ۱۷۷، حج، آیات ۲۴ و ۲۵)
۷. انقافات آشکار و نهان مالی: از دیگر خصوصیات صابران آن است که از هر چه به دست می‌آورند بخشی را در راه خداوند به نیازمندان به صورت آشکار و نهان انفاق می‌کنند و بخل نمی‌ورزند. این گونه می‌توان صبوری آموخت. (رعد، آیات ۲۲ و ۲۴)
۸. اقامه نماز: برپایی نماز بویژه در جماعت و جمعه از دیگر ویژگی‌هایی است که صابران دارند (همان)؛ بنابراین باید برای کسب



صبوری و افزایش آن از نماز به عنوان یک شاخص مهم بهره برد.
۹. امیدواری: صابران انسانهایی امیدوار حتی در صورت زوال نعمت و گرفتار شدن به فقر و تنگدستی هستند. پس باید این شاخص را نیز در نظر گرفت تا خود بسنجیم و بدان صبوری را تجربه کنیم (هود، آیات ۹ و ۱۱)
۱۰. بصیرت: صابران دارای آگاهی و بصیرت ویژه هستند. (انفال، آیات ۶۵ و ۶۶، رعد، آیات ۱۹ و ۲۲؛ فرقان، آیات ۷۲ و ۷۵)
۱۱. بیشش توحیدی: حاکم بودن جهان‌بینی توحیدی بر اندیشه و



زندگی صابران، از مهمترین عوامل صبوری آنان است؛ زیرا آنان می‌دانند هر چیزی بر اساس توحید فعل از خداوند و بر اساس حکمت و مشیت و مصلحت است. پس نسبت به مصیبت‌ها واکنش‌های تند و عصبی ندارند بلکه هنگام ابتلا به آن حتی اگر نقض در جان خود و دیگران باشد، آن را خواسته الهی دانسته و استرجاع می‌گویند: قالوا اننا لله و اننا الیه راجعون (بقره، آیات ۱۵۵ و ۱۵۶)

۱۲. پاکدامنی: اجتناب بندگان صبر پیشه خدا، از زنا و بی‌عفتی، از دیگر صفاتی است که خداوند به عنوان شاخص برای آنان بیان کرده است. (فرقان، آیات ۶۳ و ۶۸ و ۷۵) بنابراین باید تلاش کرد این شاخص

را ایجاد و تقویت کنیم.
۱۳. تواضع: رعایت وقار و تواضع در راه رفتن، خصلت بندگان صبور خدا است. (فرقان، آیات ۶۳ و ۷۵) چنانکه گفته شد، ایشان از هر گونه خواهد بود.

شناخت آثار و فواید صبوری و آثار دنیوی و اخروی و نیز مادی و معنوی آن برای ایجاد انگیزه و تقویت آستانه تحمل بسیار مفید خواهد بود.

تکبر و تفاخر اجتناب می‌کنند. بنابراین، برای سنجش خود به این شاخص نیاز مبرم خواهیم داشت.

۱۴. ثبات: صابران دارای موضع ثابت در برابر خوش‌ها و ناخوشی‌ها هستند. این مطلب در آیات ۹ تا ۱۱ سوره هود بیان شده است.



۱۵. زهد: اهمیت نداشتن متاع‌های دنیا برای صابران از مهمترین ویژگی‌های آنان است. همین مسئله موجب می‌شود تا در برابر از دست رفتن‌ها و کمبودهای مالی دنیوی واکنش‌های عاطفی و تند و هیجانی نداشته باشند. پس باید این را آموخت و در زندگی به کار بست تا از صابران شویم (آل عمران، آیات ۱۴ و ۱۵ و ۱۷؛ قصص، آیات ۷۹ و ۸۰)
۱۶. سرسروز: اصولا سرور در اهل صبر که صفت بهشتیان است، یک اصل است. از این رو آنان همواره مسرور به رضایت خداوندی هستند و نسبت به از دست دادن چیزی اندوهگین نمی‌شوند، بلکه مسرور هستند. (حدید، آیات ۲۲ و ۲۴؛ فرقان، آیه ۷۵)

۱۷. شهبزنده‌داری: شب را به صبح آوردن برای پروردگار با سجده و نماز، از خصلت‌های بندگان صبر پیشه خدا است. اصولا این‌گونه اعمال عبادی در تقویت روحیه صبوری و افزایش آن بسیار موثر است. (فرقان، آیات ۶۳ و ۶۴؛ فرقان، آیات ۷۵)

۱۸. شجاعت: ترس نداشتن صابران از مرگ و شهادت در راه خدا از دیگر خصلت‌های آنان است؛ زیرا در بیشش توحیدی آنان تا اجل مسمی نرسد فرشتگان حافظ، مانع مرگ می‌شوند و هر چه به انسان در بیرون و درون می‌رسد بر اساس حکمت و مصلحت و مشیت الهی است. (حدید؛آیات ۲۲ و ۲۳، آل عمران، آیات ۱۴۲ و ۱۴۳)

۱۹. شرح صدر: صابران دارای شرح صدر و توان تحمل مخالفان هستند. پس باید این‌گونه شاخص‌های صبر را بشناسیم و در ایجاد و تقویت آن تلاش کنیم. (فصلت، آیات ۲۴ و ۲۵)

۲۰. صلاح: صابران انسان‌هایی صالح و شایسته هستند. پس باید هر کار صالح را انجام دهیم تا به مقام صابران دست یابیم. (انبیاء آیات ۸۵ و ۸۶)
۲۱- گذشت: غفو و گذشت از خطاکاران، از خصلتهای صابران است و لذا هر گاه با خطاکاری در مسایل شخصی نه اجتماعی مواجه شدیم، از او بگذریم و نخواهیم نینبیه و مجازات کنیم. (یوسف، آیات ۹۰-۹۰؛ شوری، آیات ۴۰ و ۴۳)

۲۲. مسالمت‌جویی: بندگان صابر خدا، افراد مسالمت‌جو و نیک‌رفتار در تعامل با جاهلان و سفیهان هستند (فرقان، آیات، ۶۳ و ۷۵، قصص، آیات ۵۴ و ۵۵)

۲۳. منش کریمانه: صابران دارای روش و منش کریمانه در برخورد با باطل و باطل‌گرایان هستند و باید این‌گونه عمل کرد تا صبوری بیاموزیم و آن را تقویت کنیم. (فرقان، آیات ۷۲ و ۷۵)

۲۴. موعظه‌پذیری: تنها صابران دارای زمینه پذیرش سخنان صاحبان علم و اهل پذیرش موعظه هستند. (قصص، آیه ۸۰)، چرا که از نظر قرآن، صابران، انسانهایی پندآموز و اهل تذکر می‌باشند. (رعد، آیات ۱۹ و ۲۲)

۲۵. نیکوکاری: صابران از نیکوکاران و مورد محبت خداوند هستند. (آل عمران، آیات ۱۴۶ و ۱۴۸)

همچنین در آیات قرآن به صفت‌های دیگر صابران از جمله: صبر بر ادبیهتای دشمنان، صبر بر استهزاء، اطاعت از خدا و پیامبر، صبر بر امتحان خدا، امر به معروف و نهی از منکر، ایمان و ثبات قدم، صبر بر بلاها، پرداخت زکات، پرهیز از اتکا به ظالمان و دهها ویژگی دیگر توجه داده شده است که شناخت هر یک از آنها به عنوان یک شاخص و معیار می‌تواند برای کسانی که می‌خواهند صبر را در خود ایجاد یا تقویت کنند بسیار مفید و سازنده است.

همچنین شناخت آثار و فواید صبوری و آثار دنیوی و اخروی و نیز مادی و معنوی آن برای ایجاد انگیزه و تقویت آستانه تحمل بسیار مفید خواهد بود.

از دیگران، خوشحال کردن و... (مفاتیح‌الحیاه ص ۲۱۴-۲۱۵)
نقل می‌کنند: روزی حضرت موسی(ع) در حال مناجات با پروردگارش مردی را در سایه عرش الهی دید. پرسید: پروردگار، این کیست که عرش تو بر او سایه افکنده است؟ فرمود: او کسی است که به پدر و مادر خود نیکی می‌کند و اهل سخن‌چینی نیست. (همان ص ۲۲۱)

یکی از تجار بازار ورشکست می‌شود. او مشکل خود را با شیخ رجبعلی خیاط در میان می‌گذارد. شیخ گفت: تو آدم بی‌رحمی هستی، چهار ماه است که شوهر خواهرت را دنیا رفته و تا حالا سرخار خواهرت و بچه‌هایش نرفته‌ای. گرفتاری تو از این است. تاجر گفت: باید با هم اختلاف داریم. شیخ فرمود: ریشه مشکل تو آنجاست، حال خود می‌دانی. تاجر مقداری وسایل منزل خرید و به خانه خواهرش رفت و آشتی کردند و از آن پس بود که مشکل وی حل شد. (کیمیای محبت ص ۱۱۵)

در حدیث داریم: گاهی شخصی نسبت به پدر و مادرش نیکوکار است. سپس آنها می‌میرند او بدهی آنان را نمی‌پردازد و برای آنها آرمزش نمی‌خواهد. لذا خدا او را عاق و نافرمان می‌نویسد و گاهی شخصی در زمان حیات پدر و مادرش عاق و آنهاست و به آنان نیکی نمی‌کند. اما وقتی مردند، بدهی آنها را می‌پردازد و برایشان طلب امرش می‌کند و بدین ترتیب خداوند وی را در دفتر نیکوکاران می‌نویسد. (اصول کافی ج ۳ ص ۲۳۸)

لزوم جامعه‌سازی اسلامی
باید در آن، علم و تجربه و و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد. و متجاوزان از حدود را بگیرد و بین‌الملل اسلامی سربلند و عزیز و آبرومند است؛ این هست؛ اما ما به این اکتفا نمی‌کنیم. ما باید این که بتوانیم یک جامعه‌ای بسازیم که مورد رضای اسلام باشد. این کار را باید بکنیم؛ وظیفه ما این است و اتفاقاً آن نقطه اساسی‌ای که دشمنان توطئه‌گر اسلام در سطح جهان به آن توجه دارند و می‌خواهند آن انجام نگیرد، همین است. آن کشور و جامعه‌ای که مورد نظر اسلام است، باید در لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی، پیشرو باشد. کشور ما از لحاظ مادی

صفحه ۶
پنج‌شنبه ۲۸ مرداد ۱۳۹۵
۱۵ دی‌فعبده ۱۴۳۷ - شماره ۲۱۴۱۹



چراغ راه

آثار ظلم

قال الصادق(ع): من ظلم مظلمة اخذ بها فی نفسه او فی ماله

او فی ولده

امام‌صادق(ع) می‌فرماید: هرکس ستمی مرتکب شود، سزای آن به خودش، یا مالش، یا فرزندانش خواهد رسید. (۱)

۱- الکافی، ج ۲، ص ۳۳۲



چگونگی اعمال دشمنی زنان و فرزندان

«بی جاوود» از حضرت امام باقر(ع) روایت کرده است که فرمود: این آیه شریفه که در سوره تغابن آیه ۱۴ آمده: (ای کسانی که ایمان آوردند! همانا بعضی از همسران و فرزندانان (به خاطر ایمانتان) دشمن شمایند. از آنها برحزر باشید. و اگر (از خلاف آنها) درگذرید و چشم‌پوشی کنید و بیخوشایید، همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.)

در حق جمعی از مسلمانان نازل شده است که خواستند از مکه به سوی مدینه هجرت کنند ولی دوستی زن‌ها و فرزندان و اسباب و اموال دامن ایشان را گرفت. زن و فرزندان آنها گفتند: شاهد و گواه می‌آوریم خدا را که اگر تو هجرت کنی، ما ضایع می‌شویم. تو رها می‌کنی عیالات و اموال خود را در مکه و به مدینه می‌روی، بدون خانه و مسکن و محتاج می‌شوی. ما بر فراق تو نمی‌توانیم صبر کنیم و با تو هم توانایی نداریم که هجرت کنیم. بعضی از آن مردم از سخنان اهل و عیال خود اطاعت کردند و در مکه توقف نمودند و هجرت نکردند و در این زمان بود که آیه شریفه فوق نازل شد، و بعضی به اهل خود گفتند: اگر ما با هجرت تکبید و بعد از این خداوند جمع کند میان ما و شما را در دار هجرت که مدینه است، ما رگز نفعی به شما نخواهیم رسانید و چون خداوند میان آنها جمع کرد، امر فرمود به اطاعت کردند و در زمانی نازل شد که پیامبر گرامی(ص) قصد هجرت داشت و گروهی شریفه در زمانی نازل شد که شما فراموشتان با پیامبر می‌شدند و این مانع شدن باعث دوری آنها و سرپیچی از فرمان خدا می‌شد و آنها را از هدف اصلی که همان بندگی خداست دور می‌کرد) (تفسیر جامع، ج ۷، ص ۱۷۰)



پرسش و پاسخ

تضاد ظلم با معرفت توحیدی

پرسش:

آیا ظلم کردن در حق بندگان خدا می‌تواند نشانه این باشد که فرد ظالم با خداوند هم مشکل دارد؟

پاسخ:

از امام علی(ع) سؤال شد: عدل چیست؟ حضرت فرمود: «العدل یضع الأُمر مواضعها» «عدل هر چیزی را در جای خود می‌نهد(تنج ایلانه- حکمت ۴۲۷) در روایت دیگری از پیامبر اکرم(ص) آمده است که فرمود: «العدل قامت السموات والارض» «آسمان‌ها و زمین بر پایه عدل استوار گردیده است»(عوالی الثالی، ابن ابی‌جمهور احتیاجی ج ۴، ص ۱۰۲)

از این دو روایت چنین برداشت می‌شود که خلقت هستی و آسمان‌ها و زمین براساس حساب و کتاب دقیق می‌باشد و هر موجودی در جایگاه واقعی خودش قرار گرفته و مسیر هدایت و تکامل خود را طی می‌کند. از سوی دیگر این نکته نیز برداشت می‌شود که ظلم این است که هر چیزی را در جایگاه و مسیر خودش قرار ندهیم. بنابراین ظلم کسی است که هر چیزی را از جایگاه، بستر و مسیر طبیعی خودش خارج می‌کند و آنها را در غیرموضوع و جایگاه اصلی خود بکار می‌گیرد. با ذکر این مقدمه می‌توان گفت معرفت توحیدی اقتضا می‌کند که رفتارها و اعمال فکر افراد منقسم می‌تواند به هر گونه شائبه ظلم و جور به دور باشد. چرا که در غیراین صورت با مبایلی معاشرت توحیدی او در تضاد قرار می‌گیرد. قرآن کریم این نکته کلیدی را به صراحت مورد تأکید قرار می‌دهد.

بر اساس آیه شریفه «وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ النَّوِّارِ لَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْلًا غَاسِقًا يَأْكُمُ النَّهْمُ» «وَالله لَيُعْلِمَنَّ خَدَائِكَ» «تاها اگر ببخشند تو خواتت کنند، (تارگی ندارد)، آنها بیش از این (نیز) به هر شکلی که در خدایت کردند و خداوند (شما را) بر آنها پیروز کرد خداوند دانا و حکیم است»(انفال - ۷۱)

می‌توان گفت کسی که به دیگری خیانت می‌کند یا ظلمی در رابطه با او مرتکب می‌شود و به هر روشی، دوستی با گناهی می‌آلاید که در آن به مردم آسیب می‌رسد، به سبب پیش از آن، چنین گناهی را در حق خداوند مرتکب شده است. این یک اصل و قاعده کلی است. اگر کسی به همشین خود دروغ بگوید، به‌طور یقین پیش از آن به خدا دروغ گفته است. اگر کسی مال دیگری را به زور و به حرام بخورد، پیش از آن، چنین حرامی را از خدا خورده است. بسیاری در دنیا دروغ می‌گویند و عدادی در قیامت نیز به خدا دروغ خواهند گفت. چنین افرادی یقیناً معرفت توحیدی و خدا باوری شان اشکال دارد.

کسی که در درون خود با خدای خویش بد است، نمی‌تواند به مردم هم خوبی نماید. آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ، وَهُمْ مُّهْتَدُونَ» «(آری) آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت یافتگند»(العام- ۸۲)

ظلم، نخست استغناء خویش را از دست می‌دهد و باطن وی به هم می‌ریزد و سپس شکوه ظاهری او به نابودی کشیده می‌شود. باطن ظالم همانند ریشه درختی است که شروع به پوسیدن می‌کند، به‌طوری که با وزش کمترین بادی از پای در می‌آید. کسی که ظلم نداشته باشد، برای دیگران امنیت می‌آورد. کسی که امنیت دارد، به استقلال می‌رسد. کسی که استقلال دارد و احساس امنیت می‌کند، آزادی دارد. استقلال و آزادی میوه درخت تناور امنیت است. امنیتی که با پرهیز از ظلم و ستم به دیگران و زیردستان حاصل می‌شود.

حاکمی که ظالم باشد، امنیت اجتماعی را از شهروندان خود سلب می‌کند. هدایت جایی اتفاق می‌افتد که امنیت وجود دارد، چون امنیت است که استقلال و آزادی می‌آورد. کسی که امنیت دارد به‌حتم فردی قوی است؛ زیرا امنیت با ضعف سازگاری ندارد. آیه شریفه پس از یادکرد از امنیت، از هدایت می‌گوید: «وَهُمْ مُّهْتَدُونَ». هدایت در جامعه‌ای متحق می‌شود که امنیت داشته باشد. جامعه‌ای که ستمن و بی‌عدالتی را نباشد. البته این دین و ایمان درست و معرفت توحیدی ناب و بی‌پریاه است که امنیت می‌آورد و انسان را از هرگونه ظلم و ستمی دور می‌کند.



سلوک عارفانه

ویژگی های سالکان هدایتگر

(بدان ای سالک راه حق) بزرگ‌ترین زحمت و سخت‌ترین رنج و تعب هادیان راه حق، معاشرت با جاهلان و دعوت بی‌خردان بوده و هست، و از این جهت، اینها باید، منصف به بزرگ‌ترین اخلاق حسنه باشند و باید قوه رفق و مدارا و حسن معاشرت، در آنها به طوری باشد، که با تمام چالالت جاهلان و بی‌خردان، مقاومت کنند. زودرنجی و کدورت و امراض عصبی، به کلی با این شغل شریف منافی است. شدت و عنف و عجله مخالف وظیفه هادیان الهی الله است، چنانچه در روایات شریفه اشاره به این معنی بسیار است. در باب امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مهمات همین رفق نمودن و مدارا کردن است. (۱)

۱- شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام‌خمینی(ره) ص ۳۱۶
صفحه معارف روزهای: یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۱۹۴۹۹۹۱ - ۰۲۱۲۱۳۲۲۱۳۵۰